«رسالت» نقش کشورهای منطقه در تولید گردوغبار، به همراه آثار مخرب عدم تأمین حقابه تالاب‌ها را بررسی کرد

ریزگردهای وارداتی!

گروه اجتماعی

آن‌هایی که به کشورهای همسایه سفر کرده‌اند به چشم دیده‌اند که ناگهان سیلی از شن از هوا جاری می‌شود و به‌سر و روی مردم می‌بارد. همین ذرات است که وقتی باد می‌وزد و طوفان به پا می‌شود، راه شهرهای کشورمان را در پیش می‌گیرد و چندروزی برایمان گردوخاک می‌کند. به این ترتیب سال‌هاست جغرافیای ایران، با رویدادی نامبارک دست به گریبان است. مه غلیظی از گردوغبار بر آسمان اغلب استان‌های کشور سیطره می‌افکند و انتظار بارش باران را ناکام می‌گذارد. پدیده‌ای که پیشتر فقط خطه‌ای از جنوب کشور را فرا می‌گرفت، حالا قریب به اتفاق استان‌ها و شهرهای بزرگ را درمی‌نوردد. در سالیان دورتر فعالان محیط زیست زنگ خطر آلودگی شدید هوا و پیامدهای مرگبار ناشی از ریزگردها را به صدا درآورده و اعلام کردند به زودی نه تنها مناطق جنوبی که بسیاری از مناطق مرکزی و شمال کشور نیز گرفتار این پدیده خواهند شد. حالا چند سالی می‌شود که گردوغبار روزگار مردم خراسان رضوی و استان‌های شمالی را هم تیره و تار کرده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، صرف نظر از مشکلاتی که در آن سوی مرزها به مکیدن آب و خشک شدن زمین‌ها و در نتیجه به هجوم گردوخاک به کشورمان منجر می‌شود، منشأ داخلی بیشتر ریزگردها، تالابی بوده و در صورت ادامه روند خشک شدن تالاب‌ها و عدم تأمین حقابه، می‌توانند به کانون‌های جدیدی برای تولید گردوغبار تبدیل شوند. علاوه بر این خشکسالی و کم بارشی، مدیریت نادرست منابع آب و نوسان‌های اقلیمی هم تأثیر نامطلوبی بر طبیعت گذاشته و تالاب‌ها از آثار مخرب این عوامل در امان نمانده‌اند.

گلستان در طول سال‌های گذشته بارها شاهد هجوم ریزگردها بوده است، اتفاقی که بسیاری از کارشناسان دلیل آن را نرسیدن حقابه به تالاب‌ها و رودخانه‌ها می‌دانند. این استان در کرانه دریاچه خزر و یکی از مناطق اصلی نوار سبز جنگل‌های شمال، در آستانه تبدیل شدن به یکی از منابع اصلی ریزگردهاست. به تازگی پای این رویداد نامبارک به استان البرز هم باز شده، رضا قاسم پور، معاون محیط زیست طبیعی البرز، دی ماه سال گذشته، با تأیید خشکی تالاب صالحیه، اعلام کرد که زهکشی ۴۰ کیلومتری جهاد کشاورزی، شترهای سرگردان و تأمین نشدن حقابه باعث شد این منطقه نیز به کانون ریزگردها اضافه شود و این نگرانی وجود دارد که گردوغبار حاصل از خشکیدگی تالاب صالحیه نه فقط البرز که استان‌های قزوین و تهران را هم تحت تأثیر قرار دهد. اتفاقی که پیشتر در این مناطق بسیار کم سابقه ارزیابی شده بود، حالا هشداری جدی برای دیگر مناطق کشور است و نشان می‌دهد مرزهای این پدیده وسیع‌تر شده است.

طوفان‌های ریزگرد در خوزستان پدیده جدیدی نیست. این استان از سال‌ها پیش به دلیل وجود کانون‌های فعال گردوغبار، خشکسالی شدید، فرونشست زمین و کاهش حقابه رودخانه‌ها، در معرض چنین پدیده‌هایی بوده است. با این حال، افزایش بسامد این چالش در سال‌های اخیر، نگرانی‌های عمیقی به وجود آورده است. وضعیت در سیستان و بلوچستان نیز کم و بیش مشابه خوزستان است و «بادهای ۱۲۰ روزه» که معمولا از اواخر اردیبهشت آغاز می‌شوند، در سال‌های اخیر به دلیل خشکسالی‌های متوالی به بیش از ۱۶۰ روز افزایش یافته‌اند.

طی یک دهه اخیر، دولت‌های مختلف وعده‌هایی مبنی بر اصلاح کانون‌های ریزگرد و احیای تالاب‌ها داده‌اند. با این حال به گفته محمد بهنام رسولی در قامت فعال محیط زیست و پژوهشگر آب، واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد حل مسئله ریزگردها مستلزم همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی است. هم اینک تالاب‌های عراق خشکیده‌اند و جنوب بصره و بخش ایرانی هورالعظیم نیز با کاهش حجم آب مواجه شده است. فقط به این علت که ترکیه در سرشاخه‌های دجله و فرات سد ساخته است. عربستان نیز یکی از کانون‌های گردوغبار در منطقه غرب آسیاست و بخشی از ریزگردهایی که وارد ایران می‌شود از زمین‌های خشک آن برمی‌خیزد.

این پژوهشگر در ادامه، نقطه نظر خود را به شکل مبسوط با مخاطبان «رسالت» به اشتراک گذاشته است.

همانطور که اطلاع دارید، ریزگردها به عنوان یک چالش زیست محیطی سال‌هاست گریبان‌گیر مناطق جنوبی و شرقی کشور بوده، اما در چند سال اخیر استان‌های شمالی نیز با این پدیده مواجه شده‌اند. علت اصلی این موضوع چیست؟

برخی از ریزگردهایی که با آن دست به گریبانیم، سبقه تاریخی دارند. همانند بادهای ۱۲۰ روزه در منطقه زابل که از دیرباز رمل‌های ماسه با وزش باد جابه‌جا شده و پس از شدت گرفتن آن در یک دوره زمانی مشخص، با طوفان‌های گردوخاک مواجه می‌شویم. برخی دیگر سبقه تاریخی و طبیعی ندارند. در مناطقی نظیر کردستان، ایلام، کرمانشاه و تا حد زیادی خوزستان و به‌ویژه مناطق مرکزی ایران، ازجمله اصفهان، تهران، کاشان و شمال کشور تا چندسال گذشته تصوری از بروز ریزگردها و گردوغبار نداشتیم. این موضوع نشان می‌دهد، تغییراتی در طول این چند دهه اتفاق افتاده که باعث بروز این پدیده شده است. این تغییرات عمدتا به محیط زیست و منابع طبیعی برمی‌گردد. اکنون هجوم ریزگردها در گلستان به یک معضل جدی بدل شده، بخشی از ریزگردهای این استان از بیابان‌ها و نمکزارهای ترکمنستان برمی‌خیزد، به‌طوری که سازمان جهانی هواشناسی آن را یک پدیده جوی خطرناک تعریف می‌کند. متأسفانه بخش زیادی از مراتع این استان اکنون تُنُک شده‌اند، مراتعی که از بین رفتند یا تغییر کاربری پیدا کردند پتانسیل این را دارند که تبدیل به کانون ریزگرد شوند، اما موضوع مهم دیگر این است که چرا دولت‌ها در مدیریت و محافظت از منابع گلستان به درستی عمل نکرده‌اند، آن هم در شرایطی که تغییر اقلیم، کشور ما را به دلیل شرایط شکننده بسیار تحت تأثیر قرار داده، و این موضوع باید دولت‌ها را به سمت حفظ مراتع و پوشش جنگلی سوق دهد تا این مناطق مثل کمربندی سبز عمل کنند.

متأسفانه در مناطق مرکزی نیز ساختمان خاک و پوشش گیاهی مراتع از بین رفته و درکنار عدم مدیریت منابع آب که باعث کاهش جریان طبیعی رودخانه‌ها و خشکیدگی تالاب‌ها شده، کانون‌های جدید تولید گردوغبار پدید آمده است. عامل اصلی بروز آن، فعالیت‌ها و مداخلات انسان در طبیعت است. همه ما می‌دانیم طبیعت هر منطقه‌ای اگر براثر مداخلات انسانی آسیب ندیده باشد، با هر میزان بارندگی و پوشش گیاهی قادر است در سطح خاک مقاومت و ایستایی ایجاد کند تا براثر وزش باد و طوفان، جابه‌جا نشود. اما در این زمینه نه فقط کانون‌های داخلی بلکه باید به کانون‌های خارجی تولید ریزگرد هم توجه کرد. براساس گزارش‌های رسمی، از حدود دو دهه قبل که ریزگردها راه ورود به ایران را باز کردند، اعلام شد منشأ ۵۵ درصد آن‌ها، بیابان‌های عراق، به‌خصوص اراضی در معرض بیابان‌زایی دجله و فرات است. سدسازی‌های گسترده ترکیه، در قالب پروژه «گاپ» که برای بهره‌برداری از منابع آبی رودخانه‌های دجله و فرات طراحی شده، تغییرات اساسی در رژیم‌های آبی این منطقه ایجاد کرده و ادامه این روند، علاوه بر خشکسالی، بستر تازه و قوی‌تری برای برخاستن غبار و ریزگرد، نه تنها به سمت خوزستان، بلکه برای بسیاری از استان‌های مجاور خواهد بود. پیامد اجرای طرح گاپ تاکنون به بحران خشکسالی در سوریه و عراق، بایر شدن چند میلیون هکتار از اراضی کشاورزی این کشورها و قطع حقابه رودخانه هورالعظیم ایران از دجله و فرات انجامیده است.

چرا در سالیان اخیر به جای ارائه راهکارهایی به منظور حل مسئله ریزگردها، رویکردهای فرسایشی حاکم بوده است؟

ببینید این موضوع ناشی از سیاستگذاری‌های اشتباه است. البته به این نکته هم باید توجه کرد که مسئله آب و محیط زیست، چندوجهی و پیچیده است. به‌عنوان مثال شما در مسیر حفظ امنیت غذایی گام برمی‌دارید، که اقدام درستی هست، درحالی که با توسعه زمین‌های کشاورزی به تدریج برخی مناطق و مراتع سرزمینی تخریب و جنس و ساختمان خاک و پوشش گیاهی از بین می‌رود. هنگامی که زمینی شخم خورده باشد، باتوجه به اینکه استطاعت و بضاعت کشت دیم نیز براثر بارندگی‌های ناچیز در کشور کم است، با اندک وزش باد، خاک بلند شده و ذرات سبک به همراه هوا جابه‌جا می‌شوند اما از همه بغرنج‌تر و ملموس‌تر بحث مدیریت ناصحیح آب است. علیرغم اینکه منابع آب را چه در قالب آب‌های سطحی و چه در قالب اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی به بند کشیده‌ایم، هنوز با چالش کم‌آبی برای تأمین نیازهای اولیه خود مثل آب شرب مواجهیم. ما در اطراف شهر تهران دیگر هیچ منبع آبی باقی نگذاشته‌ایم که محدود و محصور نشده باشد، با این حال علیرغم اینکه چاه‌های بسیار زیادی حفر شده و از حداکثر ظرفیت آبخوان هم بهره برداری کرده‌ایم، کماکان برای تأمین نیاز آبی مشکل داریم. این مسئله نشان می‌دهد، مدیریت منابع آب، و الگوی توسعه ما متناسب با منابع آب و خاک نبوده است؛ این مشکل به‌عنوان یک کلاف درهم تنیده سال به سال پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود و عملا مسئولان صرفا به یکسری پیامدها و نشانه‌های آن می‌توانند بپردازند و عمق بحران سال به سال عمیق‌تر می‌شود. لذا مهم‌ترین چالشی که اکنون با آن مواجهیم مربوط به منابع آب است و متأسفانه مراتع نیز براثر دست درازی و یا انسداد جریان‌های طبیعی آب تخریب شده‌اند، این‌ها همه در کنار پدیده‌ای به نام تغییر اقلیم، دایره چالش‌های زیست محیطی را بر سرزمین ما تنگ‌تر کرده است. این موضوع افزایش تبخیر و ازدست رفتن رطوبت را به دنبال داشته و باعث کاهش بارندگی‌ها شده و پوشش‌های طبیعی باقی مانده، توان مقاومت در برابر تغییرات اقلیمی را به شکل گذشته ندارند. با تداوم این روند و کاهش حقابه تالاب‌ها و افزایش فعالیت‌های انسانی، خطر گسترش ریزگردها محتمل است.

کارشناسان می‌گویند، محافظت از تالاب‌ها به این دلیل از شاخص‌های مهم محیط زیست به شمار می‌رود که مانع بروز پدیده گردوغبار می‌شوند. اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که بیشتر این پهنه‌های آبی، به کانون‌های پراکنش گردوغبار تبدیل شده‌اند، به اعتقاد شما مدیریت نادرست منابع آبی و نوسان‌های اقلیمی شدید چقدر در خشکی و تهدید تالاب‌ها نقش داشته‌اند؟

نکته‌ای که به آن اشاره کردید کاملا درست است، یکی از دلایل بروز پدیده ریزگردها همین ازدست رفتن و خشک شدن پهنه‌های آبی سرزمین ما و سرزمین‌های مجاور است. به طور مشخص در خوزستان، بخش زیادی از بین‌النهرین و تالاب‌هایی که در هورالعظیم و مناطق اطراف وجود دارد، خشک شده‌اند و خاک نرمی که در کف آن‌ها وجود دارد، با اندک وزش باد بلند شده و مشکلات بسیار بزرگی را برای ساکنان خوزستان و استان‌های همجوار ایجاد می‌کند. دلیل اصلی ازبین‌رفتن تالاب‌ها، مدیریت آب‌های سطحی است و ما بر روی تمامی رودخانه‌های کشور حداقل یک سد احداث کرده‌ایم و آبی که قرار بوده به شکل طبیعی در رودخانه جریان پیدا کند و به تالابی منتهی شود، درمکان دیگری، در بالادست پشت سدی محصور و آن را برای کشاورزی و یا برای شرب و صنعت مورد استفاده قرار داده‌ایم. طبیعتا پهنه پایین دست با خشک شدنش به یک کانون گردوغبار تبدیل شده و چون باوری هم در میان مدیران و مسئولان در رابطه با اختصاص حقابه زیست محیطی وجود ندارد، آن حداقل مورد نیاز برای پایداری طبیعت را هم از آن دریغ کرده‌ایم و مشکل دوچندان شده است. نداشتن نگاه بلندمدت باعث شده است که در تمام این سال‌ها، حتی با وجود در نظر گرفتن بودجه‌های کلان در بعضی دوره‌ها، اقدامات مفید و نتیجه بخشی انجام نشود و این موضوع احتمال درگیری شهرها با گردوخاک در آینده را افزایش می‌دهد. در مورد کانون‌های خارجی گردوغبار ازجمله در کشور عراق، انگشت تقصیر را باید به سمت سدهای ترکیه نشانه رفت که اقلیم و طبیعت عراق را به شکل حادی با مشکلات جدیدی مواجه کرده، تالاب‌های عراق خشکیده‌اند و جنوب بصره و بخش ایرانی هورالعظیم نیز با کاهش حجم آب مواجه شده است. به این علت که ترکیه در سرشاخه‌های دجله و فرات سد ساخته است. بنابراین تالاب‌ها و نخلستان‌های عراق نرم نرمک خشک شده و به منشأ گردوغبار تبدیل شده‌اند و بخش زیادی از مشکلات ما در غرب کشور براثر ریزگردی است که منشأ آن در عراق است.

همانطور که می‌دانید خوزستان، دارای یکی از پرچالش‌ترین مناطق کشور از منظر زیست محیطی است و اکنون شرایط زیستی برای مردم خوزستان مطلوب نیست. در استان سیستان و بلوچستان نیز به همین ترتیب است. فکر می‌کنید پیامد این مسئله چه خواهد بود؟

ببینید مسئله آب در دو منطقه خوزستان و سیستان و بلوچستان فراسرزمینی است. ما در حوزه خوزستان، هورالعظیم را داریم که بین کشور ایران و عراق مشترک است. بخش زیادی از آب آن از دجله و فرات تأمین و درنهایت از طریق اروند به خلیج فارس منتهی می‌شود. بنابراین کاهش آب دجله و فرات و حتی در برخی برهه‌ها، نرسیدن آب به انتهای رودخانه باعث شده که وضعیت سرزمینی هورالعظیم متفاوت باشد و به کانون ریزگرد بدل شود، کما اینکه ورودی هورالعظیم از سمت ایران هم با سیاست‌های آبی‌ای که اتخاذ شده، و سدهای متعددی که برروی کرخه و کارون و دز احداث شده، این وضعیت را تشدید کرده است، بنابراین هم از سمت ایران و هم از سمت عراق، شاهد فشار برروی تالاب‌های موجود در منطقه خوزستان و در مجاورت آن در کشور عراق هستیم. این استان دارای بیش از ۳۵۰ هزار هکتار کانون فعال ریزگرد است. بی‌توجهی به کنترل و اصلاح این کانون‌ها، در کنار تداوم خشکسالی و بحران کم‌آبی، شرایط زندگی را برای مردم خوزستان دشوار کرده است.

مشابه این موضوع، در سیستان و بلوچستان با خشک شدن و ازبین رفتن دریاچه هامون رخ داده که سرمنشأ آن را باید به رودخانه هیرمند نسبت داد. این رودخانه از کشور افغانستان وارد ایران می‌شود و متأسفانه در چند دهه اخیر دیپلماسی کشور ما از قوت و شدت لازم برخوردار نبوده و به تأمین حقابه هامون منتهی نشده است، این موضوع با افزایش پدیده طوفان‌های موسمی و ازدست رفتن آب به‌عنوان یک منبع اصلی برای زیرساخت‌های زندگی، پیامدهای متعددی به همراه داشته است. پیامد مستقیم این شرایط، خالی شدن بسیاری از روستاها از سکنه و مهاجرت گسترده به شهرهایی مانند زابل و زاهدان بوده است. این مهاجرت‌ها نه تنها موجب تشدید فشار بر شهرهای میزبان شده، بلکه الگوی جمعیتی را نیز دگرگون کرده است. از طرفی این موضوع، تشدید معضلات زیست محیطی را نیز به دنبال داشته است.

مهاجران به حاشیه شهرهای بزرگ می‌آیند؛ شهرهایی که در تأمین نیازهای آبی خود با مشکلات متعددی مواجه هستند. فشار توأمانی که بر شهرها ایجاد می‌شود، باعث دست درازی بیشتر آن‌ها بر منابع آبی مجاورشان می‌شود. این منابع، سهم جوامع پیرامونی بوده که با دریغ کردنش، آن‌ها نیز به ناچار جابه‌جا شده و کوچ می‌کنند. به این ترتیب شهرها بزرگ و بزرگتر شده و دست درازی به منابع آب وسعت بیشتری پیدا می‌کند. زنگ خطر جدی این است که کشور ما به لحاظ منابع آب سطحی، کشور برخورداری نیست و بخش زیادی از نیاز آبی در شهرها باتوجه به ناکافی بودن این منابع به سمت آبخوان‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی رفته است و باید از این بابت بسیار نگران بود.

گفته‌شده با تداوم روند خشکسالی، فرونشست زمین، کاهش حقابه تالاب‌ها و افزایش فعالیت‌های انسانی آلاینده، خطر گسترش ریزگردها محتمل است. در هفته‌های اخیر هشدار طوفان شن و گردوغبار برای مناطقی مانند کاشان صادر شده است. آیا این هشدار می‌تواند نشانه‌ای از گسترش جغرافیای ریزگرد در سایه غفلت ما باشد؟

بله همانطور که اشاره کردید، مثال بسیار واضح این موضوع، گسترش طوفان‌هایی است که در هفته‌های گذشته در تهران و کاشان اتفاق افتاده و ما در کنار آلودگی‌های منطقه‌ای در اثر فعالیت‌های انسانی، صنعتی و شهری با پدیده ریزگرد و گردوغبار هم مواجهیم که متأسفانه تلفات و خسارت‌های شدیدی نیز به همراه داشته و این کاملا نشانه‌ای از گسترش و تعمیق جغرافیای بحران در بخش آب، خاک و گردوغبار است. این موارد خیلی زود در صحنه رقابت با چالش‌های دیگر، شاید کمرنگ شود. مسئولان به دلیل گستردگی مسائلی که در سایر حوزه‌ها با آن مواجه هستند، با تجویز مُسکن سعی در پوشش دردهای زیست محیطی دارند و همچنان راه حلی کارساز برای عبور از شرایط فعلی ارائه نمی‌کنند، این درحالی است که مسئله گردوغبار امسال شدت و وسعت بیشتری پیدا کرده و با ادامه این روند، طبیعتا باید انتظار روزهای سخت‌تری را داشت. مدیریت ضعیف در حوزه آب و برداشت بیش از اندازه از آب‌های زیرزمینی و ازبین بردن جریان آب‌های طبیعی باعث شده که حتی دیگر به پشت سدها نیز آب نرسد و اگر کاری نکنیم با چالش‌هایی در ابعاد وسیع‌تر دست به گریبان خواهیم بود.

طی یک دهه اخیر، دولت‌های مختلف وعده‌هایی مبنی بر اصلاح کانون‌های ریزگرد و احیای تالاب‌ها داده‌اند اما به نظر می‌رسد این وعده‌ها چندان اثربخش نبوده، این طور نیست؟

واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد این وعده‌ها یا اجرایی نشده یا نتوانسته‌اند چالش را مهار کنند و تکرار هرساله وضعیت اضطراری در شهرهای مختلف، گواهی بر ناکامی سیاست‌ها و اقدامات است.

امروزه پیامدها و عواقب ناشی از عملکردها به حدی عیان است که مدیران محیط زیست و مدیران بخش آب، اذعان دارند به اینکه اقدامات گذشته اشتباه بوده و اکنون نتیجه آن در قالب مجموعه‌ای از چالش‌های درهم تنیده، مشهود است. اما نکته عجیب این است که برخی مدیران علیرغم اذعان به ناتوانی خود در مهار این چالش‌ها، رهایی از آن را در گروی مشارکت و اراده ملی می‌دانند، البته این موضوع قطعا مؤثر است، اما وقتی سیاست‌ها و تصمیمات چه در ابعاد بین‌المللی و ملی و چه منطقه‌ای کماکان بر دایره پارادایم‌های گذشته می‌چرخد، و کماکان داریم به سمت ساخت سدهای جدید و توسعه شهرها می‌رویم و منابع آب جدید می‌آوریم و حتی بحث انتقال آب از دریا به‌عنوان مخدر و مسکن به افکار عمومی تزریق می‌شود، کاری از دست مردم برنمی‌آید و به نظر می‌رسد که همچنان اشتباهات درحال تکرار است.

شما در صحبت‌هایتان مطرح کردید، بحران ریزگردها در ایران ابعاد بین المللی هم دارد، اما متأسفانه شاهد همکاری‌های بین‌المللی برای مهار این بحران میان کشورهای منطقه نیستیم. عراق، سوریه، عربستان و افغانستان، دارای مناطقی خشک و متروکه هستند که باد، ریزگردها را از این کشورها وارد ایران می‌کند با این حال، هنوز یک همکاری جدی میان این دسته از کشورها برای مهار بحران مشاهده نمی‌شود، چگونه باید ظرفیت‌های بین المللی را برای رفع این مسئله فعال کرد؟

بله بخشی از این چالش ابعاد بین‌المللی دارد. مجموع مساحت کانون‌های خارجی تولید ریزگردها، ۲۷۰ میلیون هکتار است که در ۶ کشور ترکمنستان، عراق، افغانستان، پاکستان، امارات و عربستان قرار دارد و سالانه حدود ۱۲۷ میلیون تن گردوغبار تولید و روانه ایران می‌کنند. در برخی از برهه‌های زمانی نیز پروژه‌ها و طرح‌های مشترکی اجرایی شده اما عملا درگیری‌های نظام بین‌الملل باعث جدایی کشورها از یکدیگر شده و برخی مسائل مهم، کشورهای منطقه را درگیر ضروریاتی کرده، که آن‌ها را از پرداختن به مسائل زیست محیطی بازداشته است. از طرفی عربستان یکی از کانون‌های گردوغبار در منطقه غرب آسیاست و بخشی از ریزگردهایی که وارد ایران می‌شود از زمین‌های خشک آن برمی‌خیزد اما تا همین چندی پیش کاهش سطح روابط سیاسی میان ایران و عربستان سبب شد تا این همسایه جنوب غربی، سیاست تعامل ناپذیری در حوزه زیست محیطی را در پیش بگیرد. کشور افغانستان هم ثبات سیاسی ندارد و حاکمیت آن را هیچ کدام از کشورهای جهان به رسمیت نشناخته‌اند که این موضوع، کار ما را در بحث دیپلماسی سخت می‌کند، در چنین شرایطی برنامه‌ریزی برای مقابله با ریزگردها آسان نیست، کما اینکه برای دریافت حقابه هیرمند نیز بحث دیپلماسی آب جواب نداده یا حداقل تا به حال پاسخ نداده است. بنابراین عرصه روابط بین‌الملل، کاملا روشن است و با مسائل متعددی مواجهیم. اگر بخواهیم اولویت بندی کنیم، باید در وهله نخست، مسائل خیلی جدی‌تری را حل کرده تا بتوانیم به یکسری تعاملات محیط زیستی در سطح بالاتری برسیم. موضوع دیگر هم این است که در مسائلی نظیر گردوغبار بین کشورها تضاد منافع وجود دارد. مثال خیلی واضح آن، میان ترکیه و عراق است. ظرفیت‌های بین المللی از جنس قانونی، خیلی در این قسمت قابل اتکا نیستند و شاید بیشتر بحث قدرت سیاسی و بین المللی مطرح باشد. از طرفی همکاری با کشورهای منطقه برای مقابله با ریزگردها در شرایط فعلی به یکسری سازوکارها نیاز دارد و بعید است که فعلا امکانی برای تحقق این مسئله وجود داشته باشد.

فکر می‌کنید راهکارهای حل بحران ریزگردها چه مواردی را شامل می‌شود؟

راهکارهای مقابله با ریزگردها از یک سو بسیار ساده و از طرفی بسیار پیچیده است، سادگی این راهکارها از این بابت است که هرچه میزان فضای سبز و گیاهانی با نیاز آبی کمتر و آستانه تحمل بالاتر نسبت به گرما افزایش پیدا کند، می‌تواند نقش مؤثرتری در بهبود هوا داشته باشد. بحث محافظت از تالاب‌ها و رودخانه‌ها نیز مطرح است اما پرداختن به راهکارهای اساسی باتوجه به وضعیت حاکم بر ایران و کشورهای اطراف پیچیده است، چون رقابت نامبارکی در استحصال و برداشت از منابع طبیعی میان کشورهای مختلف وجود دارد. بنابراین بیش از توجه به راهکارهای فنی، باید به دنبال سیاست ورزی و دیپلماسی بود. در این راستا باید ضمن بازنگری در سیاست‌های آبی، اجازه داد که سازمان محیط زیست در اعمال سیاست‌های خود به صورت مستقل عمل کرده و از توسعه ناپایدار جلوگیری کند.

از طرفی باید روابط خود را با همسایگان ارتقا داده و منافع، برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک تعریف کنیم. لازم است یکسری پیشرانه‌هایی به منظور شکل گیری بستر مشارکت فراهم کرده تا آورده‌های مشترکی نیز حاصل شود. حتما باید در کنوانسیون‌های بین‌المللی نقشی برای خود تعریف کنیم، در این صورت حتما در عرصه محیط زیستی با کشورهای همسایه نیز می‌توانیم ابتکار عمل داشته باشیم. در این بخش به تغییر نگاه و اولویت بندی در سیاست‌های کلان نیاز داریم، و باید مباحث محیط زیستی و سرزمینی را در زنجیره تصمیم گیری‌ها در اولویت قرار داده و به این موارد، منابع تخصیص دهیم. مسئله منابع طبیعی قابل بازگشت نخواهد بود. حیف است اگر به پدیده‌هایی نظیر ریزگردها عادت کرده و آن را به‌عنوان یک واقعیت طبیعی بپذیریم!

آگهی موضوع ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۰۸۴۱ و رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۸۰۱۶۸۹۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی عباس آباد تصرفات مالکانه بلامعارض خانم مرجان نقی لو فرزند محمدعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۵۲۳ مترمربع کاربری مسکونی تحت پلاک ۲۶۱۹ فرعی از ۳۱۳ اصلی واقع در قریه کلارآباد دهستان کلارآباد خریداری از اکرم نقی لو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض و دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۷

عباس رحمت پوررکنی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس آباد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۲ و ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۳۰۳۶۷۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم سپیده و علی قاسمی فرزند محمدحسین بالسویه نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین باکاربری زراعی به مساحت ۲۷۲/۵۸ مترمربع که مقدار ۴۸ سیر مشاع عرصه وقف می باشد به شماره پلاک ۲۰۶ فرعی از ۱۸ اصلی واقع در قریه مغانده بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خانم علی مفیدی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۷ م الف ۱۹۰۳۰۱۳

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان
عین اله تیموری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۴۴۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عصمت احمد فرزند علی به ش.ش ۵۷۵ صادره از ایران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره قطعه ۲۶۹ تفکیکی به مساحت ۶۴۹۹/۹۹ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۶۳- اصلی بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی (وراث مرحوم غلامرضا جهانی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۷
م الف ۸۴۷۶

بهمن سارلی
رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۷ م الف ۸۵۰۶

لیلا کاغذلو
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی کلاله تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است، لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه و درخصوص رای اصلاحی به مدت یکماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

پلاک ۲۰۸-اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹

۱-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۴۴۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالناصر خواجوی فرزند آق اولی بشماره شناسنامه ۶ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۰۳۹۲۵ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۲۱۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از مالک رسمی اق اویلی خواجوی

۲- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۴۴۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالناصر خواجوی فرزند آق اولی بشماره شناسنامه ۶ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۰۳۹۲۵ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۵۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از مالک رسمی اق اویلی خواجوی

۳- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۴۴۸ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مراد خواجوی فرزند آق اولی بشماره شناسنامه ۱۲۸۳۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۱۲۸۸۳۷ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۱۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از مالک رسمی اق اویلی خواجوی

۴- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۲۵۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مصطفی نیازی قرناس فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۱۹۸۷۹۴ و شماره ملی ۴۸۶۰۱۹۸۷۹۴ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۰۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی محمد قلیچ قلیچ نیازی

۵-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۷۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالرحیم سیدی فرزند جان محمد بشماره شناسنامه ۵۴۶ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۵۴۸۸ صادره از شهرستان کلاله در مقدار ۱۳۲۱۳٫۲۰ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۲۱۳٫۲۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۱۸۶ فرعی از ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی جان محمد سیدی.

۶- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۶۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم خدیجه سیدی فرزند زال محمد بشماره شناسنامه ۳۹۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۴۰۱۵ صادره از شهرستان کلاله در مقدار یک هکتار مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۳۲۱۳٫۲۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۱۸۶ فرعی از ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی جان محمد سیدی.

۷- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۵۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر مرادی فرزند خداوردی بشماره شناسنامه ۹۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۹۷۱۹۱۷ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی در مقدار ۱۴۰۴۹٫۶۷ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی خداوردی مرادی.

۸- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۵۱۸ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد دردی قربانی فرزند نوبرعلی بشماره شناسنامه ۱۰۳۷ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۳۰۵۷۰ صادره از شهرستان کوکلان دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی در مقدار ۱۶۴۱۹٫۴۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی نوبرعلی قربانی.

۹- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۵۳۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم حکیم ناصری فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۱۵۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۱۱۶۵۲۹ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی در مقدار ۱۴۰۴۰٫۴۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک بلاواسطه از مالک رسمی خوجه نیاز امانی.

۱۰- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۹۰۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم اراز محمد محمدی فرزند مخی بشماره شناسنامه ۵۷۲ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۵۷۴۷ صادره از شهرستان کلاله در مقدار دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۶۲٫۳۲ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی مخی محمدی.

۱۱- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۹۱۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم اراز محمد محمدی فرزند مخی بشماره شناسنامه ۵۷۲ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۵۷۴۷ صادره از شهرستان کلاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۴۸۲٫۸۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی مخی محمدی.

۱۲- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۹۱۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم نور محمد محمدی فرزند مخی بشماره شناسنامه ۵۰۰ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۵۰۲۱ صادره از شهرستان کلاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۴۲۹٫۹۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی مخی محمدی.

۱۳- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۹۱۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم نور محمد محمدی فرزند مخی بشماره شناسنامه ۵۰۰ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۵۰۲۱ صادره از شهرستان کلاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۶۶۸٫۱۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری بلاواسطه از مالک رسمی مخی محمدی.

۱۴- رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۱۳۹۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم یحیی ناصری قرناس فرزند طاغان بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ صادره از شهرستان کوکلان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۶۰٫۴۲ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی بردی ناصری قرناس.

۱۵- رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۱۲۳۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم یحیی ناصری قرناس فرزند طاغان بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ صادره از شهرستان کوکلان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۲۱٫۱۶ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی طاغان ناصری قرناس.

۱۶- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۱۵۳۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم یحیی ناصری قرناس فرزند طاغان بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۴۶۹۲۷ صادره از شهرستان کوکلان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۴۰٫۷۲ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک بلاواسطه مالک رسمی طاغان ناصری قرناس.

۱۷-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۲۰۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم امید قربانی قرناس فرزند طاغان بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۴۰۳۴۲۸ و شماره ملی ۴۸۶۰۴۰۳۴۲۸ صادره از شهرستان گنبدکاووس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۹۷۵٫۵۲ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از مالک رسمی طاغان دردی قربانی.

۱۸- رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۱۲۵۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالعزیز روهنده فرزند خان محمد بشماره شناسنامه ۷۶۷ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۲۷۷۰۷ صادره از شهرستان گوکلان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۹۸٫۷۷ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ثبتی ۲۰۸- اصلی واقع در قریه یکه قوز بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مالک رسمی خوجه نیاز روهنده.

پلاک ۸۲-اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹

۱۹- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۵۰۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم ابوالقاسم نخعی فرزند شیرعلی بشماره شناسنامه ۴۰۲۹ و شماره ملی ۲۲۶۸۸۵۸۴۷۲ صادره از شهرستان علی آباد دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۹۹٫۹۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی شیرعلی نخعی

۲۰- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۱۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد رضا شاعری فرزند غلام حسین بشماره شناسنامه ۸۶ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۹۹۲۵۳ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۰۰٫۰۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی غلامحسین شاعری

۲۱- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۱۲۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم موسی بهلولی فرزند فداحسین بشماره شناسنامه ۳۲۷ و شماره ملی ۳۶۷۱۱۵۹۷۲۳ صادره از شهرستان زابل دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۴۴۲٫۹۶ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک بلا واسطه از مالک رسمی محمد حسین نخعی

۲۲- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۲۶۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم فاطمه رامرودی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۲۶۲ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۶۰۶۲۴ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۹۹٫۵۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حسنعلی هدایت جو

۲۳- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۲۶۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم رضا کریمی اشرف فرزند جمعه بشماره شناسنامه ۱۳۸۴ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۴۷۳۴۵ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۸۷٫۶۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبتی کلاله خریداری از مالک رسمی صفر صیادی.

۲۴- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۱۲۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم پرویز پهلوان فرزند حبیب بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۸۷۹۳۳ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۸۷۹۳۳ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۹۹٫۶۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۲- اصلی واقع در قریه باینال بخش ۹ ثبتی کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حبیب پهلوان

پلاک ۶۳-اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹

۲۵- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۱۷۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم سلطان صیادی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۵۸ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۸۴۷۱۱ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۹٫۱۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی زینب پودینه

۲۶- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۹۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم فاطمه اشرشیخ قره حلی بشماره شناسنامه ۴۲۳ و شماره ملی ۴۹۷۹۳۹۶۲۴۰ صادره از شهرستان آق قلا دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مراد نظرنژاد

۲۷- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۹۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مریم اشرشیخ قره حلی بشماره شناسنامه ۷۲۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۷۵۲۰ صادره از شهرستان گنبدکاووس دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مراد نظرنژاد

۲۸- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۷۹۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم فهیمه اشرشیخ قره حلی بشماره شناسنامه ۵۵۹۸ و شماره ملی ۴۸۶۹۰۶۵۶۹۱ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مراد نظرنژاد

۲۹- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۸۰۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم صفرگل اشرشیخ قره حلی بشماره شناسنامه ۲۲۴ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۲۵۱۰ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مراد نظرنژاد

۳۰- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۸۰۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم قربانگلدی آشرشیخ فرزند پسی حلی بشماره شناسنامه ۲۴۲ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۲۶۹۳ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۳۸ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی مراد نظرنژاد

۳۱- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۹۲۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم بیرام قلیچ سلطانی قره شور فرزند نور محمد بشماره شناسنامه ۵۵۰ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۵۷۷۳ صادره از شهرستان کوکلان در دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۲۸۳٫۰۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی قلیچ نیاز سلطانی

۳۲- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۹۲۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم علی سلطانی قره شور فرزند نور محمد بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۷۲۲۴۳ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۷۲۲۴۳ صادره از شهرستان کلاله در دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۲۸۳٫۰۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی قلیچ نیاز سلطانی

۳۳- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۹۳۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم جما قلیچ سلطانی قره شور فرزند نور محمد بشماره شناسنامه ۵۴۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۵۷۶۵ صادره از شهرستان کلاله در دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۲۸۳٫۰۹ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی قلیچ نیاز سلطانی

۳۴- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۰۷۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم بهروز اشرشیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۴۷۶۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۸۱۱۹۵ صادره از شهرستان گنبد کاووس دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۱۸٫۴۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی محمد علی آبکار.

۳۵- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۱۵۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر قلیچ زاده فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۶۹۰۰۶۳ صادره از شهرستان گنبد دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۶۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امامقلی تقانی.

۳۶- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۱۶۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر قلیچ زاده فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۶۹۰۰۶۳ صادره از شهرستان گنبد دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۳۱ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امامقلی تقانی.

۳۷- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۲۱۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر قلیچ زاده فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۶۹۰۰۶۳ صادره از شهرستان گنبد دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۷۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امامقلی تقانی.

۳۸- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۲۱۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم فاطمه طغانی فرزند امامقلی بشماره شناسنامه ۴۹۷ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۵۲۴۲ صادره از شهرستان مینودشت دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۱۱۸٫۸۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امامقلی تقانی.

۳۹- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۱۷۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم سلطان صیادی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۵۸ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۸۴۷۱۱ صادره از شهرستان کلاله دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۹٫۱۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله خریداری از مالک رسمی صفر صیادی.

۴۰- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۰۹۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد علی صیادی فرزند محمد امیر بشماره شناسنامه ۹۸ و شماره ملی ۳۶۷۰۶۶۰۵۴۲ صادره از شهرستان زابل در مقدار ۵۲۷۵٫۳۴ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۷۹۱۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی محمد امیر صیادی.

۴۱- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۰۹۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم فاطمه صیادی فرزند محمد امیر بشماره شناسنامه ۱۰۳ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۸۵۱۶۳ صادره از شهرستان کلاله در مقدار ۲۶۳۷٫۶۶ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۷۹۱۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی محمد امیر صیادی.

۴۲- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۶۳۱۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر قلیچ زاده فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۶۹۰۰۶۳ صادره از شهرستان گنبد دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۷۸٫۹۴ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امامقلی تقانی.

۴۳- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۰۲۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم نادر صیادی فرزند آقا جان بشماره شناسنامه ۸۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۳۸۵۰۲۳ صادره از شهرستان کوکلان در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۲۵٫۴۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی آقاجان صیادی.

۴۴- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۰۲۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد صیادی فرزند آقا جان بشماره شناسنامه ۱ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۰۶۹۹۱ صادره از شهرستان گنبد در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۲۵٫۴۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی آقاجان صیادی.

۴۵- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۰۳۲۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عبدالقادیر قلیچ زاده فرزند حاجی محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵ و شماره ملی ۴۸۶۹۶۹۰۰۶۳ صادره از شهرستان کلاله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۴۵۴ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبت کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی امام قلی تقانی.

۴۶- رأی شماره ۱۴۰۳/۰۰۵۶۸۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم عیسی اشر شیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۶ و شماره ملی ۴۸۶۹۹۶۵۱۱۹ صادره از شهرستان گنبد کاووس در مقدار ۳۳۳۸ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

۴۷- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۶۸۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مجید اشر شیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۱۰۴۱۵۳ و شماره ملی ۴۸۶۰۱۰۴۱۵۳ صادره از شهرستان کلاله در مقدار ۶۱۷۸٫۰۲ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

۴۸- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۶۸۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم سولماز اشرشیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۴۸۶۰۰۹۰۱۷۹ و شماره ملی ۴۸۶۰۰۹۰۱۷۹ صادره از شهرستان کلاله در مقدار ۱۶۶۶ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

۴۹- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۶۸۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم زهره بی بی اشر شیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۶۲۱ و شماره ملی ۴۸۶۹۴۵۶۴۸۶ صادره از شهرستان کوکلان در مقدار ۱۶۶۶ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

۵۰- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۶۹۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم بستان صالحی راد فرزند عبدالحکیم بشماره شناسنامه ۲۲۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۵۴۱۲۶۲ صادره از شهرستان کلاله در مقدار ۳۳۳۸ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

۵۱- رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۵۶۹۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم بهروز اشرشیخ فرزند بایرام دردی بشماره شناسنامه ۴۷۶۹ و شماره ملی ۴۸۶۹۸۸۱۱۹۵ صادره از شهرستان گنبد کاووس در مقدار ۶۱۷۸٫۰۳ مترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تفکیکی به مساحت ۲۲۳۶۴٫۰۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۳- اصلی واقع در قریه قره شور بخش ۹ ثبتی شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی حالی قلیچ طغانی.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۷ م الف ۸۴۹۲

بهمن سارلی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کلاله